



بررسی عرصه‌های نقش آفرینی هیأت و مداحی در گفت‌وگو باحاج محمود کریمی (مداح اهل بیت علیهم السلام)

در جهاد امروز باید در خدمت مردم باشیم

دیدار اخیر رهبر انقلاب با جمعی از مداحان یکی از دیدارهای پرمضمون چند ماه اخیر بود. بررسی سیره عملی حضرت زهراسلام‌الله‌علیها، نقش هیئات و مداحان در جهاد تبیین و بایسته‌های مداحی و هیئات از محورهای مهم این دیدار بودند. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR برای بررسی دقیق‌تر این محورها به گفت‌وگو با حاج محمود کریمی، مداح اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. آقای کریمی معتقد است مقابله با برنامه‌های دشمن و خدمات اجتماعی از وظایف لاینفک هیأت است.

■ در دیدار اخیر مداحان با رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی رحمة‌الله‌علیه، شما هم حضور داشتید. این دیدار از جمله دیدارهای پرمضمون رهبر انقلاب در این چند سال اخیر بود. نظر شما چیست؟ دیدارهای حضرت آقا علی‌الخصوص با قشر مداحان همیشه پرمضمون است. از نگاه خودم عرض می‌کنم و از روی تعصب نمی‌گویم. آقا هیچ موضوعی را تعبدی به کسی نمی‌گویند؛ البته جلسه ما هم مستثنی نیست. ما چون اهل روضه خواندن و منبر هستیم، آقا بیشتر برای ما دلیل می‌آورند و خیلی لطیف موضوع را مطرح می‌کنند. در حقیقت خط سیر مداحی هم در آن دارند؛ یعنی آن را یک‌جوری به ما نشان می‌دهند که ما از همین خط سیر صحبت کردن را یاد بگیریم. درواقع همان هندسه‌ای که آقا در بیاناتشان فرمودند.

صحبت‌های آقا را می‌شود در سه بخش خلاصه کرد: اول، جایگاه حضرت صدیقه سلام‌الله‌علیها و جایگاه زن، دوم، جایگاه هیأت و سوم، جایگاه مداح در هیأت. بعد هم به این نتیجه می‌رسند که در مجموعه‌ای به این بزرگی جای مداح در هیأت کجا است. جای هیأت در جامعه اسلامی کجا است. جایگاه هیأت تا چه شرایطی می‌توانی استفاده کنی. آیا شبیه‌خودت دورت زیاد است. اگر دورت زیاد است، باید تشکیلاتی رفتار کنی. اگر دورت کم است، آتش‌به‌اختیار رفتار کنی. آتش‌به‌اختیار هم این طوری نیست که هر جا را دوست داری بزنی. ایشان می‌فرمایند اگر خواب بمانی و بلند شوی، ممکن است خودی را بزنی. اگر آتش‌به‌اختیار می‌خواهی رفتار کنی، باید همیشه بیدار باشی. این هندسه صحبت آقا است.

■ به‌جای خوبی رسیدیم. رهبر انقلاب در جمله معناداری فرمودند هر تلاشی جهاد نیست. جهاد، تلاشی است که در نسبت با دشمن تعریف می‌شود. در چنین فضایی هیأت باید در چه مختصات و راستایی حرکت کند که

تلاش در زمینه مودت اهل بیت در

زمره جهاد محسوب شود؟

خلاصه جهاد این است که دشمن

را هدف بگیریم. خب، هر کدام از ماها هر جایی می‌توانیم به مقابله با دشمن بپردازیم، ولی چرا آقا این‌قدر دشمن دشمن می‌کنند؟ چرا فکر می‌کنیم همه دشمن ما هستند؟

چرا فکر نکنیم؟ ببینید، جنگ نرم مثل جنگ سخت نیست، بلکه خیلی سخت‌تر است. به‌خاطر همین آقا در این دیدار خیلی حساسیت به خرج می‌دهند. البته ما هم در حوزه جهاد

داشت به حسینه بیرون می‌آید. بعد یک مداح خوب از دل شهدای بیرون می‌آید. من تا تأثیر می‌گذارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. به لطف امام حسین در روزهای گذشته ما با

تأثیری روی فضا و فرهنگ هیأت شما گذاشته است؟

هیأت رایة‌العباس (هیأت رزمندگان منطقه شمرانات)، بعد از شهادت شهدای ۸سال دفاع مقدس به‌وجود آمد. شهدا زائیده هیأت‌اند و همانطور که حضرت آقا فرمودند هیأت شهیدپرور است. در همین هیأت کسی بود که بعد از تمام‌شدن مجلس، حسینیه را جارو می‌زد. بعد از شهادتش، فهمیدیم مصطفی احمدی‌روشن، از دانشمندان هسته‌ای است.

این همان هندسه است که شهید از هیأت بیرون می‌آید. بعد از شهادت خودم هم در دامان دو شهید بزرگ شدم. ما میهمان این شهدا هستیم و آنها روی ما تأثیری گذارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. به لطف امام حسین علیه‌السلام، این شهدا خیلی به ما لطف می‌کنند. یک جاهایی از برکت شهدا جلوگیری می‌شود که از خطر رقتن ماست. کسی در گوش آنها نخوانده بود.

آنها یک جمله را از حضرت امام یا حضرت آقا شنیدیم. درک کردند و رفتند. نایستادند که بهشان گفته شود.

■ سیدحسین نصرالله می‌گوید ما دقت می‌کنیم ببینیم نظر آقا به چیست، آن را برای خودمان فرض می‌دانیم، نمی‌ایستیم که ایشان دستور بدهند.

■ شما یک مداح و هیاتی‌مورد اقبال دیگران هستید که عقبه اجتماعی هم دارید؛ چرا زمینه‌های فعالیت‌تان را از حوزه کودک تا محرومیت‌زدایی و جمع کردن هزینه مالی زندانیان نیازمند و تأمین جهیزیه؛ تکثیر، متعدد و گسترده می‌کنید؟ این اقدامات چه ربطی به هیأت دارد؟

خب، آقای حاج‌قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس چکار داشت به مسجد ساختن در دهات؟! چکار داشت به حسینه راه انداختن؟! چکار داشت به سیل؟! به شما چه ربطی دارد؟! من نکنم، کی بکنند؟ شما انجام می‌دهید؟! بفرمایید این کار را بروید انجام بدهید! آتش‌به‌اختیار یعنی این دیگر.

■ یعنی اینها را جزو وظایف اجتماعی هیأتان می‌دانید؟

بله، دقیقاً! اصلاً وظیفه ما است. من نمی‌گویم وظیفه کس دیگری نیست؛ تا اندازه‌ای که ما می‌توانیم، وظیفه‌مان است. تو می‌توانی این بار را برداری، نایست تا مسئولش بیاید. خدمت به مردم در فرمایشات حضرت آقا هم بود. بار مردم را بردار، غصه مردم را کم کن. حداقل بنشین پای درددلش، بین چه می‌گوید.

■ هیأت شما در کنار گلزار شهدای امامزاده علی اکبر علیه‌السلام چقدر در محضر ۶۶۰ شهید قرار دارد. این فضای معطر به جهاد و شهادت چه تأثیری روی فضا و فرهنگ هیأت شما گذاشته است؟

هیأت رایة‌العباس (هیأت رزمندگان منطقه شمرانات)، بعد از شهادت شهدای هشت سال دفاع مقدس به‌وجود آمد. شهدا زائیده هیأت‌اند و همان‌طور که حضرت آقا فرمودند هیأت شهیدپرور است. در همین هیأت کسی بود که بعد از تمام شدن مجلس، حسینیه را جارو می‌زد. بعد از شهادتش، فهمیدیم مصطفی احمدی‌روشن، از دانشمندان هسته‌ای است. الان هم در همین گلزار شهدای چیدر دفن است، خب، این یعنی من آنها را شهید کردم؟! نه! این همان هندسه است که شهید از هیأت بیرون می‌آید. بعد یک مداح خوب از دل شهدای بیرون می‌آید. من روضه‌خوان در جایگاه خودم هم در دامان دو شهید بزرگ شدم. ما میهمان این شهدا هستیم و آنها روی ما تأثیر می‌گذارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. به لطف امام حسین علیه‌السلام، این شهدا خیلی به ما لطف می‌کنند. یک جاهایی از برکت

است. تازه فهمیدم زور هیأت چقدر است، چرا هیأت‌ها را نشانه‌گیری می‌کنند، چرا قبل از محرم شروع به تحلیل می‌کنند. ما کاری که باید انجام بدهیم، انجام می‌دهیم. ما کاری که وظیفه‌مان باشد، بازی از دوش مردم برداریم، انجام می‌دهیم. ما اگر قرار باشد خودمان هم فدا بشویم که این مملکت سفت، محکم، مقتدر و باعزت بماند، شک نمی‌کنیم و خودمان را فدا می‌کنیم.

■ شما و هیأت‌تان یکی از هیأت‌هایی هستید که در نوآوری‌ها در حوزه‌های مختلف تجربه داشته‌اید. در این نوآوری‌ها چه ملاحظه‌هایی را داشته و رعایت می‌کنید؟

کسی می‌تواند یک فیلمساز خوب شود که حداقل مکاتب دیگر فیلم‌سازها را هم بشناسد. باید مکاتب دیگر را بشناسد تا جای مکتب خودش را پیدا کند و به آنها نزدیک نشود و برای خودش شاخص بشود. یا مثلاً، در آشپزی هم باید آشپزی‌های مختلف را بشناسد تا جایگاه آشپزی ایرانی را بداند. من هیچ‌موقع غذای مادرم را رها نمی‌کنم و غذای همسایه‌مان را بخورم که ببینم این خوشمزه‌تر است یا غذای مادرم. معلومه غذای مادرم خوشمزه است. من بعد از شیرخوردن اول غذای مادرم را خوردم. آدم بداند غذایی که حضرت زهرا به او می‌دهد خوشمزه است. غذایی که مادرش به او می‌دهد خوب است. نباید تست کند، ولی

بشناسد که این غذاها این طعم را دارد. حالا در حوزه موسیقی و فیلم که نمادی از آن در مداحی هست یک قسمتش را آقا هندسه مداحی می‌فرمایند.

■ یعنی می‌گویید هویت مداحی، همان مداحی باقی بماند؟!

بله، مداحی باید مداحی بماند. ما نوآوری داریم، اما «نوآوری» بعضی مواقع «نوخ‌آوری» می‌شود. اصلاً یک نوع دیگر را می‌آوریم و هویتش عوض می‌شود. من اگر روضه‌خوان نیاشم و یک چیز دیگر قاطی‌اش بکنم، دیگر کسی احترامی برای من قائل نیست. عرض من این است که مداح از جهت هنری باید مکاتب را بشناسد، ولی

■ مداحی باید مداحی بیرون می‌آید. بعد از شهادت خودم هم در دامان دو شهید بزرگ شدم. ما میهمان این شهدا هستیم و آنها روی ما تأثیری گذارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. به لطف امام حسین علیه‌السلام، این شهدا خیلی به ما لطف می‌کنند. یک جاهایی از برکت شهدا جلوگیری می‌شود که از خطر رقتن ماست. کسی در گوش آنها نخوانده بود. آنها یک جمله را از حضرت امام یا حضرت آقا شنیدیم. درک کردند و رفتند. نایستادند که بهشان گفته شود.

■ سیدحسین نصرالله می‌گوید ما دقت می‌کنیم ببینیم نظر آقا به چیست، آن را برای خودمان فرض می‌دانیم، نمی‌ایستیم که ایشان دستور بدهند.

■ هر کسی از ظنّ خودش یار حاج‌قاسم شده است. اوپنده خالصی بود. هیأت که می‌آمد، بغل منبر می‌نشست. کلا این قسمت را فیلمبرداری نمی‌کردیم. یا اگر نمی‌رسید، بعد از ظهرها طبقه همین بالای حسینیه می‌آمد و روضه را گوش می‌کرد، بعد با موتور می‌رفت.

■ مداحی باید مداحی بماند. ما نوآوری داریم، اما «نوآوری» بعضی مواقع «نوع‌آوری» می‌شود. اصلاً یک نوع دیگر را می‌آوریم و هویتش عوض می‌شود. من اگر روضه‌خوان نیاشم و یک چیز دیگر قاطی‌اش بکنم، دیگر کسی احترامی برای من قائل نیست. عرض من این است که مداح از جهت هنری باید مکاتب را بشناسد، ولی غرق آنها نشود.

■ مداحی باید مداحی بیرون می‌آید. بعد از شهادت خودم هم در دامان دو شهید بزرگ شدم. ما میهمان این شهدا هستیم و آنها روی ما تأثیری گذارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. به لطف امام حسین علیه‌السلام، این شهدا خیلی به ما لطف می‌کنند. یک جاهایی از برکت شهدا جلوگیری می‌شود که از خطر رقتن ماست. کسی در گوش آنها نخوانده بود. آنها یک جمله را از حضرت امام یا حضرت آقا شنیدیم. درک کردند و رفتند. نایستادند که بهشان گفته شود.

■ سیدحسین نصرالله می‌گوید ما دقت می‌کنیم ببینیم نظر آقا به چیست، آن را برای خودمان فرض می‌دانیم، نمی‌ایستیم که ایشان دستور بدهند.

■ هر کسی از ظنّ خودش یار حاج‌قاسم شده است. اوپنده خالصی بود. هیأت که می‌آمد، بغل منبر می‌نشست. کلا این قسمت را فیلمبرداری نمی‌کردیم. یا اگر نمی‌رسید، بعد از ظهرها طبقه همین بالای حسینیه می‌آمد و روضه را گوش می‌کرد، بعد با موتور می‌رفت.

■ مداحی باید مداحی بماند. ما نوآوری داریم، اما «نوآوری» بعضی مواقع «نوع‌آوری» می‌شود. اصلاً یک نوع دیگر را می‌آوریم و هویتش عوض می‌شود. من اگر روضه‌خوان نیاشم و یک چیز دیگر قاطی‌اش بکنم، دیگر کسی احترامی برای من قائل نیست. عرض من این است که مداح از جهت هنری باید مکاتب را بشناسد، ولی غرق آنها نشود.

■ مداحی باید مداحی بماند. ما نوآوری داریم، اما «نوآوری» بعضی مواقع «نوع‌آوری» می‌شود. اصلاً یک نوع دیگر را می‌آوریم و هویتش عوض می‌شود. من اگر روضه‌خوان نیاشم و یک چیز دیگر قاطی‌اش بکنم، دیگر کسی احترامی برای من قائل نیست. عرض من این است که مداح از جهت هنری باید مکاتب را بشناسد، ولی غرق آنها نشود.

مردودی و رفوزه نداده؟ برای اینکه به من حواسم باشد، دوستان من هم باید حواسشان باشد. من نگاه می‌کنم که آقا امام زمان روحی فداه از من چه می‌خواهد. دستوراتی دارند که مشخص است. یک‌جاهایی هم به مسائل روز می‌رسم. من وظیفه‌ام را انجام می‌دهم. ممکن است خیلی‌ها خوششان نیاید، خیلی‌ها هم خوششان بیاید. نه از خوش آمدن یک عده خوشحال می‌شوم، نه از بد آمدن یک عده ناراحت می‌شوم. باید به وظیفه خودمان عمل کنیم. هر کس به وظیفه‌اش عمل کند، امام حسین علیه‌السلام او را جلو می‌برد. فرهنگ هیأت این است.

شاید بعضی از کارهایی که ما داریم انجام می‌دهیم، علی‌الظاهر در حوزه کار ما شاید نباشد؛ چون کسی آن بار را بر نمی‌دارد ما باید برداریم؛ اما چرا مجموعه هیأت‌ها تا حالا یکی از پیرغلامان می‌گفت در فتنه ۸۸ تنها قشری که مردودی نداشتند، هیأتی‌ها و مداح‌ها بودند. الان همین هیأت رایة‌العباس شهید مدافع حرم، شهید مدافع امنیت، شهید مرزبانی ناجا و شهید هسته‌ای دارد. در رایة‌العباس چه کارهایی می‌کنید و چه کارهایی هم نمی‌کنید که سر بزنگاه‌های سیاسی و خط‌کشی‌های مشخص با دشمن سربلند بیرون آمده‌اید؟ در بزنگاه‌هایی فتنه‌گون اوضاع برای خیلی‌ها واضح و مشخص نیست.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

نواهای نواحی مثل مازندرانی، گیلکی، آذری، خراسانی، بلوچی و عربی؛ مثلاً، اگر شما همین لحن کردی را بشناسید و بعد ضرب‌ها را هم بلد باشید، می‌بینید که ترکیب اینها در نوع خواندن -نه در ماهیت- چقدر متنوع می‌شود. این خودش آنقدر ظرفیت نوآوری دارد که دیگر نیاز نیست که به سراغ چیز دیگری بروید. این کار هندسه‌ای دارد. بالاخره اینقدر تنوعش بالاست که اصلاً اندازه ندارد.

■ قبل از کرونا هیأت بزرگی داشتید. در دوران کرونا یک‌دفعه تصویری می‌بینیم که شما روی وانت در جنوب تهران برای پنج شش نفر مداحی می‌کنید. تفاوت عجیبی با آن وضعیت قبلی دارد. تن دادن به چنین وضعیتی ساده و راحت نیست! از این وضعیت بگویید!

راحت است آقا! اولاً، آن کسانی که قبل از کرونا به هیأت ما می‌آمدند، برای دیدن من نمی‌آمدند که! برای روضه می‌آمدند. ثانیاً، ما مأمور به وظیفه‌ایم. من در قبر باید پاسخ یک‌سری اشتباهات و کارهایم را خودم بدهم. این چند ده هزار نفر آدمی که در فضای مجازی و تلویزیون و هیأت ما را دنبال می‌کنند، هیچ‌کدام حسین علیه‌السلام را گروگان بگیرم. وقتی شما مسئولیت کارت با خودت باشد، باید تصمیمی بگیری که خودت جواب بدهی.

من نوکر مردمم، ولی اگر قرار باشد به‌خاطر مردم در آتش جهنم بروم، دیگر نیستم. اگر قرار باشد در آتش بروم، دیگر این کار را نمی‌کنم. در جایی که وظیفه‌ام است و هر کاری که وظیفه‌ام است حتماً اشتباه هم دارم. وقتی وظیفه‌ات را انجام بدهی، دیگر مسئولیتی به عهده‌ات نیست. من خودم کاری را که وظیفه‌ام هست انجام می‌دهم.

■ بدون تعارف می‌گویم این کار راحت نیست. کسی که برای چند هزار نفر مداحی می‌کرده یک‌دفعه تصویرش منتشر می‌شود که برای چند نفر در جنوب شهر دارد روضه می‌خواند!

خیلی خوب است. اینجا جایی بود که دوست دارم در آن باشم.

■ چرا؟

دوست دارم.

■ چرا دوست دارید؟

چگالی خلوصش بالاست.

■ اصلاً به فکر این نبودید که چه تصویری دارد از شما بیرون می‌آید و ممکن است عده‌ای آن را دست بپندازند؟

اتفاقاً رفته به مادرم گفتم می‌خواهم کاری انجام دهم که خیلی‌ها مخالف‌اند. خیلی از دوستان نزدیکم هم مخالفت کردند و گفتند این کار خوب نیست.

■ چقدر به دل خودتان نشست؟

خیلی! اصلاً تکرار نشدنی است. اگر کار را برای خدا انجام بدهی، مسئولیتش راحت است.

■ پیشنهادش از کجا آمد؟

پسرم داود گفت بابا بیا دسته راه بپندازیم. گفتم راه‌انداختن دسته ممنوع است. گفت خب فقط وانتش را راه بپنداز و راه افتاد.

■ گفت‌وگو را با حاج‌قاسم سلیمانی تمام کنیم. ایشان به هیأت شما می‌آمد و ارتباطاتی با هم داشتید. در پس ذهن حاج‌محمود کریمی نسبت به این شخصیت چه می‌گذرد؟

حاج‌قاسم الان هست، باور کن! هر کسی از ظنّ خودش یار حاج‌قاسم شده است. او بنده خالصی بود. هیأت که می‌آمد، بغل منبر می‌نشست. کلاً این قسمت را فیلمبرداری نمی‌کردیم. یا اگر نمی‌رسید، بعد از ظهرها طبقه همین بالای حسینیه می‌آمد و روضه را گوش می‌کرد، بعد با موتور می‌رفت.

بعضی مواقع فرصت نمی‌شود که بعضی از بچه‌های‌مان بنشینند پای روضه و همه‌اش در رفت‌وآمد. من خودم نذر روضه داشتم و ساعت پنج شش روضه را با این بچه‌ها و خانواده‌ام شروع می‌کردم. ایشان هم با خانواده‌شان می‌آمد، روضه‌اش را گوش می‌کرد، بعد هم که می‌خواست برود، می‌نشست بند کفش نوه‌هایش را می‌بست. این را من خودم بارها دیدم. حاج‌قاسم فوق تصور ما دست‌نیافتنی بود. واقعاً شهید بود، ما نفهمیدیم.